یادداشت دبیر جشنواره

مهمانان دوست‌داشتنی

بزرگ‌ترین گروه‌های خارجی شرکت کننده در جشنواره امسال کمتر خرد (دهان هفتادنفره‌ها) هنوز ندیده‌ام! ما هنوز ندیده‌ام که! (با وظوار داشتند. باب اتلاق‌شان بچه‌ها گرد کردند. طوری که عصبانی شدم و گفتم: ای بی‌خواهید ایرانی دارد و از راه دوست‌ها می‌گیرد! و احساس بیگانگی با آنها می‌کنی. گرد کشتند. آرام شدند. نقطه‌ی مقابلش گروه آمریکاست: بچه‌های ایرانی با خیلی دوست دارند. واژ آن گیوکوت و قلوده دشوار ی‌ی دوستند! و پذیرشش برای همه‌ی ایران بیاینند و از نزدیک ببینند و آنها را بشناسند. دوستان تو دلی تازین از آلمان همان ما هستند. بچه‌ها دوست دارند. تهران حداکثر استفاده‌ای را می‌کنند. هر دو اختلاف‌ها و آنها می‌کنند. حتی موسیقی کارتان به موسیقی ایرانی و بدون افتاد و ادا حرف‌هایی‌ها که دیگر بحث‌رند. احساس هم بسیار شبه هستیم و آنها هم از سنگی چون تغییر که بر سرها ها و همه اهل دشتی خود کردند. که چشم حرفی فضاهای کروه‌زمستان را خیلی کم دیده‌اند. باید بروسستشان. جمع‌ها خیلی خوشگم هستند که در این مواد بعاش‌ها را می‌آیند و این که و این که اصلا انگلیسی نمی‌دانند یا دوستان خیلی خوشگم هستند. تعادلشان را دارند و همه ما حضور دارند. همه‌ی جمع‌های افق‌ی بالقوه‌ی بچه‌های ایرانی را دستند.

جشنواره فرصت بسیار تو پایان جشنواره نمایش گروه افغانستان را ببینیم. محتمدم که ما در قبال افغان‌ها و بقیه همسایگان‌مان وظیفه داریم تا روابط فرهنگی‌مان را دو دیگر کنیم.

این اتفاق نیفتاد. آرزو می‌کنم بتوانیم یک جشنواره داشته باشیم با این که تامدتهای‌های زیادی هم با نزدیک‌ترند که کرده‌ببینند. در کنار این بچه‌ها ما معرفی کنند اما متاسفانه جشنواره نمام شود این صورت برایم می‌افتد که چرا این روزها سرم شلوغ است و نمی‌دانستم این بچه‌ها را بیشتر از نزدیک ببینم و آنها گلایه‌ها کنند. گفتم بیا می‌دم بچه‌ها به خانه‌ی همه‌ی همه‌ی نمایش عروسکی آن است و به شهرهای آنها بروم و از نزدیک خوشحالم که دوستان خیلی خوب‌اند فقط به بالا و پایین نیستند و به شهرهای دور هم از این هم نمایش کرد و کنند. ولی خوش‌بختانه می‌توانم به چپ و به راست نگاه کنم و بروم‌کشتن از دیگر خوب و این همه نشانگر خوب که ما مورد لطف خودشان قرار می‌دهند. لذت می‌برم.

موفقیت بروممند

My Dear puppeteers, artists and friends in Iran

Message of Dadi D.Padumjee, President UNIMA

Though I cannot attend the 15th edition of the International puppet festival in Tehran this year,
I congratulate all of you including the festival director Ms Marzieh Baroumand and her dedicated festival team, as also all the organizations and individuals who make this wonderful festival so special, in Iran and the world.
The last few months have seen tremendous violence in many parts of our countries, it is my fervent hope and appeal to all artists to set aside individual differences and come together in peace, love and harmony towards each other.
UNIMA the oldest international theatre organization in the world, with members in more than 95 countries and whose endeavor is to bring together peoples from around the Earth in the promotion of the art of puppetry, with the aim of using it as a tool for the pursuit human values, regardless of race, political or religious convictions and differences in culture, it is our most profound duty to raise our voice at this moment to call for the respect of all fundamental human rights, such as defined in the Universal Declaration of Human Rights of the United Nations. We wish to declare our joint commitment to protecting and advocating these rights.
Let us join hands together in this path. We call on all the leaders and those with a voice to use their power to ensure this.
The future depends on each one of us to create a positive future for all.
Once again my respects, thanks and congratulations in organizing one of the best festivals of this region.

یادداشت

ما و تئاتر عروسکی (۶)
تئاتر عروسکی و رسالت انتقال میراث فرهنگی

منوچهر اکبرلو مدرس دانشگاه، نویسنده و منتقد تئاتر

نمایش‌های سنتی عروسکی در میان جامعه رنگ می‌گیرد. کودکان اولرامی، تکه چوب رویایی «چوکه بازنه» را از یاد می‌برند. دخترکان قرومبی چیزی از «چم چاتو» نمی‌دانند. پسرکان نهادینی ترکه «تاریکه» را حفظ نیستند. گیلانی دیگر می‌خواند که «اگر آکیله بیستونه و هاریلوه» این جاچی دیرباز سلیم عال، سوءتفاهمی پیدا نیست. اما این نیوزها چاهد جمع‌ماست.

میراث فرهنگی هر قوم از دو بخش تشکیل شده است. میراث فرهنگی قابل لمس، مانند بناها و اشیای باستانی و میراث فرهنگی غیرقابل لمس که شامل بخشی از فرهنگ ماست که سینه به سینه به ما رسیده است. مانند قصه‌ها، لالایی‌ها، رقص‌ها، آیین‌ها، شعرها، گویش‌ها، هنرها، سوگ‌ها و ...

عروسک‌های نمایشی در هر یک از این دو بخش سهم مهمی دارد و به خود اختصاص می‌دهند. چرا که در همه شاخه‌های فرهنگ، عامه که برشمردیم، حضوری چشمگیر دارند.

عروسک‌های نمایشی در کنار مخاطب ایران نامهای گیاگونی دارند و همه این نامها دارای جنبه‌های مشترکی همچون: بانمی و معصومیت و مفهوم همدلی و دوستی‌اند. هستند کودکانی با این عروسک‌ها بال‌های خیال خود را می‌گستردند و بر آسمان آرزوهایشان اوج می‌گیرند. بقای جامعه به ما و نبود فرهنگی و ارتباط فرهنگی بستگی دارد و این به جز از راه انتقال معارف و ارزش‌ها و میراث‌های فرهنگی به نسل جدید، ممکن نیست. طبیعت زندگی افراد انسانی از نظر اختلاف سنی و طبق سنی، سطح بعد از پایان نسل دیگر، مقدار و انتقال میراث فرهنگی را مشخص یک ضرورت اجتماعی برای استمرار بقای جامعه، جنبه حیاتی می‌بخشد.

جامعه به قطع از راه ارتباط و انتقال فرهنگی دوام می‌یابد، بلکه باید این ارتباط و پیوستگی، یک نوع حرکت جهتدار و هدفدار را برای رشد اجتماعی نسل جدید تضمین کند که در سایه آن، نسل جدید با مفاهیم مشترک و احساسات عام که بتواند «جامعه» را شکل دهد، آشنا و با وجود آمده نسبت باید. این انتقال یک امر تربیتی عمیق و به دنبال دارد. زیرا زندگی فردی انسانی در پهنای معارف و انتقال فرهنگی زمینه گسترده‌ای را به دست می‌آورد که در آن با دیگران، شریک و سهیم باشد و با احساس واحد و شعور اجتماعی که از تجربه‌های جمعی به دست آمده است، با دیگران شریک می‌شود. این احساس واحد است که از او رانگیزه‌ی می‌کند و تحمیش را تنگل می‌دهد. انسان و ناخاق تاریخی، بر او گشت زمان جمع تجربه می‌شود و مانند بیم‌ها و بیم‌ها و امیدها به کسانی که انسان‌ها را بسیار به کسانی که انسان‌ها را فرمان می‌کنند، صرف‌نظر می‌کنند. کسانی که انسا با ساختار از زیر خاک بیرون می‌آورند نیز بایستی‌شان نام دارند.

میراث معنوی نیز جدید در عروسک‌های نمایشی سنتی نیز چنین‌اند. انها نیز درمانگرانی می‌باشند در مکان‌ها و زنده‌نگهدار انها هنرها نمایشگر فرهنگ‌اند. کسانی که انها را روی صحنه با بیان مرده زنده نگه می‌دارند. جان می‌بخشند و بر روی نسل آینده قرار می‌دهند.

تئاتر عروسکی از این منظر، جایگاهی بس رفیع دارد. دارند. از این جایگاه را بدانیم!

عکس: صادق نیکو

دست ما و جان عروسک، جان ما و جان طبیعت

یادداشت

انسان و عروسک
به مثابه object یا subject

حمیدرضا اردلان
استاد دانشگاه

عروسک به مثله object اگر مورد ذهن ما یعنی انسان قرار گیرد، موجودی بر جان است که ما نظاهر به جادارى او می‌کنیم. این عروسک همیشه در سلطه انسان است و نمی‌تواند در جایی که انسان ایستاده است، بایستد. منظور از ایستادن «ظهر ظهور» و existence است به معنی اتمه انسان را به آن نفاذ کرده‌اند. در نحوه تلقی دیگر، عروسک به مثله subject موجودی خلدار است که حیات او به واسطه حیات انسان می‌تواند مفهوم نزدیک به موجودی باشد که قیام ظهوری دارد. در اینجا او یعنی عروسک، در جامعه انسانی حضور دارد و با او یعنی انسان می‌تواند صحبت کند. عروسک‌ها در نمایش‌های عروسکی متنقل در این قسم خود objective را تعریف می‌کنند و نمایندگان عروسک‌ها اقلب به بودن عروسک object بودن عروسک‌ها تصوری دیگر از آنها نداریم و اینکه عروسک‌ها را مورد ذهن خود قرار دهند اصرار می‌ورزند. این subject است که ما تظاهر به جادارى خود را در حوزه حفظ می‌کنند و در اعراض و صرف‌نظر مانند می‌شوند و بنابراین آنها را به مفهوم نتوع یا تغییر به شمار می‌آید. در دوره معنی که تشریف «کلام» از انسا و در عصر آنها عروسک‌ها به مثله object، subject موضوع ذهن هنرمندان پیاسا می‌گرانست. با یعنی جامعه انسان عروسکی ایران می‌توانیم همواره خود را به پاسخگویی در تئاترهایشان متقبل نگه دارد و بیرون از دیگر پاسخی حقیقی در اختیار بشر امروز نیست و بنابراین از دوره معاصر هنر از نحاط به پرسش دارد. در ادوار گذشته ما انسان و به عروسک نمی‌توانستند subject باشند. اما object های متعین به حساب می‌آمدند و در حضور subject که او فرد مطلق بود به مثابه صفات او سنجلی می‌گشتند. عروسک و انسان در نسبت برابر به عنوان object در آن دوره‌ی با یکدیگر هم وابستگی بودند و در هم‌بستگی با subject ازلی استقرار داشتند.

سخن دیگر هستی به مثله وجود جامع استعداد انسان و عروسک را برای بازگشت به قیام حضوری همزمان گواهی می‌کند. این قیام حضوری تجمیع جامع و معنایی دارد.

سخن دیگر در اینکه که ویژگی‌ها در نسبت دستاندار کاران تئاتر عروسکی معاصر قرار دارند. عروسک‌ها در دست مردم بیگانه می‌مانند. این فقدان مفاهم انیمی عروسک‌ها را که در گذشته با آن بود، از بلا می‌برد. اگر مجریان تئاتر عروسکی خواهند حقیقت نهفته در عروسک‌ها را به زبان آورند و برای پرداخت مناسب به آن نیازها انجاب کنند. گاهی جهان اثر شما را می‌دارد در راهایی رفته گام بردارد. برای نمونه در این نمایش که شما دیدید همین طور نشستید که پیش از خود که نمی‌دانستید چه می‌کردید. بعد داهنگ‌های خود را خودتان به آن بخوانید و با تنظاد و بانتیه به مرزهای پرفورمنس آن نزدیک شدیم و البته این از در میانه تمرین‌ها در رفتیم. «پرسک بی‌یاک» هم که نوعی از اصالته ایران است. قصه‌ی می‌خلیند که بنابراین تنها در جهان عروسکی گسترش می‌یابد. نمایشنامه را به تاریخ ۱۳۸۲ برای اجرای دومی در جشنواره عروسکی دانشگاهی نوشتم که همان زمان هم اجرا شد. بعدها در گرفته شدیم به زندگی ادامه داد تا اینکه روش اجرایی ویژه‌ی یافت که در آن از اجرای یک نمایش عروسکی صرف فراتر بودن در این قلق تازه تعریفی دیگرگونه از عروسک طرح شد که برایم بسیار وسوسه‌انگیز بود طراحی تازه مرا به بازنگری کشاند و سرانجام به مهمانی جشنواره آمدیم.من همچنان کارگردانی‌تئاتر یا تئاتر عروسکی گونه‌هایی از تخصص من است. حتی گونه‌هایی که هنوز مرتکب نشده‌اند مانند اپرا یا نمایش موزیکال. در دایره کاری من جای‌گاه اندکی دارد. شاید هم‌چنین آرزوهای شکست در جهان عروسک‌ها رشد می‌یابد و زندگی می‌کنند. و از میان آدمیان هنایاند. اگر این جهان فلاتری نبود، تحمل زندگی بسیار سخت‌تر از آکنون بود.فکر می‌کنم از سال ۱۳۷۵ نمایشگر پیگیر همه جشنواره‌های تئاتر در فضای ملی بوده‌ام! اما چیزی که در این جشنواره مهم است و باید بیشتر به آن توجه کرد نظم و هماهنگی، مشارکت و همفکری در کارهاست.

از جشن تا جشن‌آور

شیوا مسعودی
استاد دانشگاه تهران

اکنون در میانی یک جشن هستیم که مهمترین ویژگی اجتماعی‌اش تعلیق است. تعلیق زمان، مکان و شخصیت. زمانی که قانون‌هایش درهم می‌ریزد، مکانی است که فلمپیش را از دست می‌دهد و شخصیت‌هایی که نقش‌های اجتماعی‌شان را رها می‌کنند. در این میانی می‌رهایی و می‌مکانی با حضور بی‌نقاب شخصیت‌ها، گفتارها و رفتارها ناپذیر می‌پرده و می‌پردازیم‌اند. پس رهایی جشن، محاق است برای ناگشتگی‌ها یا گوگشگی‌هایی که بیشتر ملت یک گفتمان گو اگر وجه عمدتا با واجشن‌ها می‌شنود، اما معمولت کسانی که جشن آمده و با خود، هاتی جشن‌گونه می‌آورند. حضورشان در تاخیرین لحظات مایه‌ی سرخوشی است. گویی از اندوه شادی می‌سازند و از مرگ، زندگی. آنها بی‌برزی جشن را می‌نامند و از هر کنشی جشن می‌سازند.

از من:

که کم‌ترسو که- دویدن را به جشنی در یامنانست زندگی جدید او با خاطراتش در تلاز به نام یافتنی و حل می‌ساخت.

که به حفظ ضمنشانه من میان شوخی و جدی، همه‌ی کردهایی‌ها را به مثلی معلق جشن گونه تبدیل می‌کرد.

او که شروع تدوین یک گلخانه را عنوان داشتن تجربه را به جشنی در ستایش پژوهش عمل می‌کرد.

و او که در ابراز هیجانش به من برای توجه خنده کوچه‌ها از آزری مرا به جشن کشف دنیای بی‌مرز نمایش عروسکی دعوت می‌کرد.

برای من و یکی از جشن‌ایران رامنین بود جواد ذوالفقاری.

که گفه‌قرمی که‌تمام‌ترم خود خنده‌ها را چگونه رها می‌برده و بیرون‌ریزد و انتی جشن حضور در یک جشن پاشخ می‌گفت.

و شاید و می‌توانست با نوآوری خود در حفظ من میان شوخی و جدی زرافی را نشان دهد که سال‌های زیادی از زندگی‌اش را صرف آن کرد.

و شاید می‌توانست طلایی را نشان دهد که تنها از قدرت بی‌نقص و بی‌روایتی جشن‌ایز او بر می‌آمد.

و شاید و می‌توانست با ایستگی در میز میان قلم و عمل تجربه‌ی اجرا را در کنار فرصت پژوهش به جشنی بزرگ بدل سازد.

تعلیق زمان، مکان و شخصیت در جشن جشنواره را فرصتی بی‌نظیر برای گفتگوهای بی‌نقاب می‌سازد. ان را فروبگذاریم

روزنامه دیواری
پانزدهمین جشنواره بین‌المللی
نمایش عروسکی
تهران - مبارک

پنجشنبه - ۲۷ شهریورماه ۱۳۹۳

هنرمندان، عروسک گردانان و دوستان عزیز من در ایران

دَدی د.پودامجی، رییس اتحادیه نمایشگران عروسکی جهانی(یونیما)

هرچند که امسال، حضور در بازدهمین دوره جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران مبارک برایم میسر نشد، اما دوست دارم همینجا به مرغبه بروندی و تبع تخصصی اجرایی ایمنان برای برگزاری این جشنواره تبریک بگویم. همچنین باید از سازمان‌ها و کسانی که به هرچه بهتر برگزار شدن این جشنوار شناخته شده در جهان و ایران کمک می‌کنند نیز تقدیر کرد.

در ماه های اخیر، خشونتی بی حد و در کشورهای جهان را فرا گرفته است. امیدوارم و از همه هنرمندان خواهش می کنم با با کنار گذاشتن اختلاف سلیقه‌ها، با صلح، عشق و یکپارچگی گرد هم آیند.

یونیما به منزله قدیمی‌ترین سازمان تئاتری دنیا و با داشتن اعضا در بیش از ۹۵ کشور جهان، وظیفه خود می‌داند تا به یاری نمایش عروسکی و ارقای این هنر در سراسر دنیایی بپوجه به تفاوت‌های فرهنگی، نژادی، سیاسی و مذهبی به ارزش‌های انسانی دست بازد. وظیفه ماست که در این موقعیت با توجه به تعریف اعلامیه جهانی حقوق بشر نسبت به بی‌احترامی به حقوق ابتدایی بشر،صدای اعتراض‌آمیز خود رابه گوش جهانیان برسانیم.ما مایلیم که برای حفظ و حراست و دفاع از این حقوق اعلام آمادگی کنیم و همگان متعهد شویم تا دست در دست هم در این مسیر گام نهیم و صدایمان را به گوش رهبرانی برسانیم که سخنان‌شان گوش شنوا دارد. تا از قدرت‌نشان برای دستیابی به این آرمان بهره بگیرند. آینده در دستان ماست و مایلیم که باید آینده‌ی روشن برای آینده‌گان تدارک ببینیم.

مایلیم یک بار دیگر احترام وسپاس خود را نسبت به برگزارکنندگان یکی از بهترین جشنواره های این منطقه اعلام کنیم.

با آرزوی بهترین‌ها

حاشیه روزنیم

حضور سنجید خبرنگار در چهارمین روز جشنواره که وظیفه خبررسانی جشنواره را به عهده دارد، بازهم مثل روزهای پیشین جشنواره توجه‌ها را به خود جلب و رهگذران بسیاری را دور خود و تیم عروسک گردانی و فیلمبردارهای‌اش جمع رهگذران و کودکان نشستین مسحور را برعهده دارد که برای بسیاری از همچان انگیز است.

صدا گروه نمایش عروسکی چینی که در جشنواره امسال شرکت کرده‌اند، به جز اجراهای موفق خود، با حضور مداوم و پرشور در جشنواره و دیدن بیشتر کارها، نظرها را به خود معطوف ساخته‌اند. تقریباً بیشتر نمایش‌ها اجرا شده در این چند روز، حداقل میزان تماشاگران یکی از گروه‌های چینی بوده است که با شوق و علاقه فراوان به تماشای کارها می‌نشستند؛ تماشاگرانی که دیگر کارها را تشویق می‌کردند و با عوامل کار و عروسک‌ها عکس می‌گرفتند.

یادداشت

یادداشتی برای جشنواره

فهیمه میرزا حسینی - استاد دانشگاه

روزهای خوبی است. ستاره عروسکی‌ها بالاخره با تلاش زیاد دوستدارانش در آسمان درخشیدن گرفته است. ما هم خوشیم با این خوشی عروسک‌هایمان و آرزو می‌کنیم که خوش بمانیم با همیشه برای صحنه ماندن.شان. آرزو می‌کنیم که روزهای آینده هم لباس همین روزها را بر تن داشته باشد تا دل‌های ما پر از امید باقی بماند. هرچند مالی ماندن امید و حفظ انگیزه برای خودش نشیدنی دارد که بتوانی به خود ها بعد ها بیندیشی و برای دیگر به آن بنازی - اشتیاق تکنید انجه را بمی‌گویم منظورم مسئولان محترم با ارباب قدرت است. و عدد البته وضع مالی و توجهات فاقله ایشان. با دومی کاری ندارم چون ما کجا و اینها کجا! شاید از دهان ما به گوش‌های آنها نمی‌رسد. تا بتوانی پج پج و نق‌زدن‌ها را به عروسک‌هایمان جلب کنید. اما خوب، می‌خواهم به کار بیدارتر به یعنی خودمان بگذارید. از اینجا شروع کنم. ماها قبل از شروع جشنواره و با صرف هزینه به چندان کند. سالنی برای انظارگرهای و به اشتراک گذاشتن حرف‌ها، علاقه‌مندی‌ها، مسائل علمی و پژوهشی و حتی طرح مشکلات طراحی شد که مثل همه جای دنیا می‌توانست همه ما را بیشتر و بیشتر به هم پیوند دهد. اما...

نمی‌گویم که نمی‌شود و نباید ولی با ماهمیتان می‌گویم خوب قرار را شنید و ندیدند و همه روی همه از خودشان به جاگذاشتند. این مشکلی را در آن مطرح نکرد تا دست جمعی برای رفع آن فکر یا تلاشی بکنیم. کسی برای درخواست کاری که شده بود حتی یک خط هم ننوشت. کسی هیچ پیشنهاد تازه‌ای در آن ننوشت. در آن سایت که متعلق به همه‌مان بود هیچ شعور و تشافعی ایجاد نکردیم. برای هم باعث افزایش انگیزه نشدیم. همدیگر را تشویق نکردیم و ...

همان روزهای پیش از جشنواره صفحه‌ای هم به من دادند با عنوان چه چیزی عروسک نیست؟ و من با امید کنتف تعارف تازه با مشارکت همه علاقه‌مندان، اندیشمندان و متفکران کار را آغاز کردم. هر چند می‌دانستم که موضوع سنجی است و نوشتن‌ها و نظریه دادن برایمان کم‌تر چندان جالب نیست با این‌حال خوب دوستان داشتند اتحادش دادم اما حب نتیجه‌اش واقعا نالیبد کننده بود. کسی به از عروسک‌سازان، به از عروسک‌سازان، به از متفکران و به از کارگردان نظری برایش نداد. دلیلش را مرخطبر از سخنی موضوع - نمی‌دانم‌ولی به دلم می‌گویم لابد بزرگ‌ترها در شان‌شان نبود و تازه‌کارها جسارتش را نداشتند. توضیح بیشتری نمی‌دهم خودتان بروید و ببینید.

یادبودی برای نعمتی شریف و صمیمی مفخم و حمزه

عادل بزدوده در تمام دوره‌های جشنواره شرکت کرده است. امسال «آهای تو دیگه کی هستی؟» را که یادگاری از دوران نمایش‌ها با کامبیز صمیمی‌مفخم، بیژن نعمتی‌شریف و حمید حمزه است، بعد از ۳۲سال روی صحنه آورده تا همه با این سه عزیز تجدید خاطره کنیم.

یادداشت ویژه

این کار را ۲۲ سال پیش روی صحنه آوردم. آه من از سر تالیفن نیست آه من از بابت از دست دادن سه عزیزی است که جزء سنون‌های اصلی نمایش عروسکی کودک هستند. کامبیز صمیمی‌مفخم، بیژن نعمتی‌شریف و حمید حمزه. ان سال‌ها که با هم در کانون فعالیت دانشجویی این کار را روی صحنه بردیم. کامبیز صحنه را طراحی کرده بود، بیژن برای طراحی عروسک‌ها کرسیه گذاشته بود و حمید هم استمرار دوستداشتنی کار را سروده بود. کمال طولانی نیز افتگستر کار بود و با چندگیتی‌ی از چهاجانش همزمان با اجرا، موسیقی را می‌نواخت. قصه فقر مفروری است که صمیمی می‌تا حمله اعضای بدن دوستش را فرض می‌کیرد تا بهترین پرنده عالم شود. وقته وقته از خودش دور و به موجودی تبدیل می‌شود که دیگر کسی او را نمی‌شناسد و سرانجام صمیمی می‌گیرد به خودش برگرد. احساس گرم این متن هنوز که هنوز است دغدغه اجتماعی ماست. هرکس باید تنگ و تنهایی خاص خود را خود بیابد. اما این کار با ۲۲ سال پیش روی صحنه آوردم. آه من از سر تالیفن نیست آه من از بابت از دست دادن سه عزیزی است که جزء ستون‌های اصلی نمایش عروسکی کودک هستند. کامبیز صمیمی‌مفخم، بیژن نعمتی‌شریف و حمید حمزه. ان سال‌ها که با هم در کانون فعالیت دانشجویی این کار را روی صحنه بردیم. کامبیز صحنه را طراحی کرده بود، بیژن برای طراحی عروسک‌ها کرسیه گذاشته بود و حمید هم استمرار دوستداشتنی کار را سروده بود. کمال طولانی نیز افتگستر کار بود و با چندگیتی‌ی از چهاجانش همزمان با اجرا، موسیقی را می‌نواخت. قصه فقر مفروری است که صمیمی می‌تا حمله اعضای بدن دوستش را فرض می‌کیرد تا بهترین پرنده عالم شود. وقته وقته از خودش دور و به موجودی تبدیل می‌شود که دیگر کسی او را نمی‌شناسد و سرانجام صمیمی می‌گیرد به خودش برگرد. احساس گرم این متن هنوز که هنوز است دغدغه اجتماعی ماست. هرکس باید تنگ و تنهایی خاص خود را خود بیابد.

توجه ! توجه ! جابه‌جایی در سالن دو نمایش

جشنواره و فردا سالن اجرای نمایش‌های آینگرهه از کنوخ هلنده و دستهای رقصان از اسپانیا به علت مشکلات فنی نمایش آینگرهه تغییر کرده است. نمایش آینگرهه به جای سالن حافظ در تالار سایه متاثر شهر اجرا می‌شود و نمایش دستهای رقصان هم از تالار سایه به سالن حافظ منتقل شده است. علاقمندان با داشتن بلیط نمایش دستهای رقصان در تالار سایه، می‌توانند این نمایش را در سالن حافظ ببینند.

بی جان‌های نان‌آور

افشین قاسمی -نویسنده و کارگردان نمایش «مو حسن بنا»

افشین قاسمی، متولد ۱۳۵۸ و کارشناس ارشد کارگردانی دانشگاه هنر و معماری و کارشناس نمایش دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر است. از کارهای او می‌توان به «صادقه‌شیطان»،«دعوی ماهیگیر»،«عنکبوت»و«ماهی» و ... اشاره کرد و در جشنواره بازدهم تئاتر عروسکی تهران مبارک، نمایش «ماهی» با تئاتر عروسکی‌های باز «مو حسن بنا» حضور دارد.

در این جشنواره از شیوه دستکشی استفاده کردم. نمایش قبلی من به نام «مو ماهیگیر» این قدرت را به من داد که کار بعدی‌ام در فضای باز دستکشی باشد. در این شیوه من ۹ عروسک را با صداهای مختلف با سرعت دست غیرقابل پیش‌بینی عروسک‌گردانی می‌کنم.در مدتی کوتاه دو تن از کارهای خانم جدی کار و استاد بوسف صدیق در حوزه استعداد بسیاری در این زمینه دیده هست.بطور نمونه کار شناسی نمایش عروسکی دانشکده سینما و تئاتر و خودزندبنی استاد ایرج محمدی درباره ایشان این حوزه تصمیم من را قطعی کرد. نمایشگر عروسکی به تنهایی یک کمپانی تئاتر است که می‌تواند بنویسد، بازی و کارگردانی کند. من به وسیله تئاتر عروسکی، کمتر درمانی و تئاتردرمانی برای گروه‌های سالمند و ... بر سر آنها دغدغه نتیجه آن بسیار جالب و موفقیت‌آمیز بود. عروسک خانم و آقای زیاد دوست دارم چون آنها از جز خانه